

روایتی از سپیده و سحر عینا... قضایی
خواهران دوقلویی که در هفده سالگی در کار تولید موفق اند

دختر خوبه هنرمند باشه

۴



ممنوعیت توقف و سایل نقلیه در زیر گذر حرم

توقف هرگونه موتورسیکلت و خودرو در زیرگذر حرم مطهر و ورودی و خروجی های آن ممنوع شد.
طبق همین خبر، برای ایجاد امنیت بیشتر با بهسازی های صورت گرفته در زیرگذر حرم مطهر سرعت عبور خودروها از ۶۰ به ۴۰ کیلومتر بر ساعت کاسته شده است.

برخورد با ۱۴۳ زباله دزد



به دنبال افزایش تعداد زباله دزدان، شهرداری منطقه ثامن ۱۴۳ نفر را شناسایی کرد و به سازمان مدیریت پسماند تحویل داد.
آن طور که روابط عمومی شهرداری منطقه ثامن اعلام کرده است، این افراد در فروردین ماه امسال در بازدیدهای واحد سد معبر این منطقه شناسایی شده اند و ضایعات غیرمجاز آن هاضب شده است.
از این افراد و انبارهای ضایعات غیرمجاز آن ها در زمان اعلام شده یک تن و ۵۷۰ کیلو ضایعات جمع آوری و به سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد تحویل داده شده است.



نخستین نمایشگاه «در آستان بقیع» با استقبال فراوان همراه بود

آشنایی با مدفونان بقیع در حرم رضوی

جامعه نیازمند یادآوری نوع زندگی اهل بیت (ع) است

در بخش ماکت تجسمی، در میان قبور، مقبره اهل بیت (ع) و اصحاب آن هانیز با ذکر نام ایجاد شده است. نور سبز همه مقبره ها روشن است و راوی هادریه هر یک از آن ها نحوه زندگی شان توضیح می دهند. زهره بهادری در حال گوش کردن به همین صحبت راویان در کنار خانه مربوط به امام حسن مجتبی (ع) است که با ما هم صحبت می شود. او دانشجوی دکتری مشاوره است و در سال ۱۳۸۶ توفیق حضور در مراسم حج را داشته است. او به آنچه در سرزمین وحی دیده است، اشاره می کند و می گوید: خیلی ها چنین فضایی را ندیده اند و از داشته های با ارزش آن آگاه نیستند. چه خوب است با چنین نمایشگاهی این موضوعات به مردم منتقل شود. او با تأکید بر اینکه بقیع باید آن طور که هست به مردم معرفی شود، ادامه می دهد: چهار امام معصوم، فاطمه بنت اسد، دختران پیامبر (ص)، همسران پیامبر، مادر حضرت علی (ع)، اصحاب ائمه، فرزندان امامان، اسماعیل فرزند امام صادق (ع)، تعدادی از شهدای احد و همسران ائمه همگی در بقیع آرمیده اند. شخصیت های بزرگی که هیچ کجای عالم پیدا نمی شوند و با چنین نمایشگاهی باید این افراد و زندگی شان به مردم معرفی شوند. طبق

زهره اسحاقی یکی از نمایشگاه های متفاوتی که امسال در حرم مطهر رضوی برپا شده، نمایشگاه «در آستان بقیع» است. نمایشگاهی که از سه هفته گذشته در صحن غدیر هم زمان با سالروز فاجعه غم بار تخریب قبور ائمه بقیع (ع) آغاز شده و به صورت راوی محور آنچه را در آستان بقیع رخ داده است، توضیح می دهد. این نمایشگاه سه بخش دارد: بخش ماکت تجسمی از بقیع و حرم اهل بیت (ع)، نمایشگاه کتب اختصاصی درباره بقیع و بخش انتهایی هم غرفه پاسخگویی به شبهات توسط کارشناسان است. آن طور که مدیر پایگاه های تبلیغی و معرفتی حرم مطهر رضوی می گوید، نمایشگاه «در آستان بقیع»، با هدف فرهنگ سازی مشترک بین مسلمانان بر محور مفهوم زیارت، احیا و ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) و توجه به مسئله احترام به نمادهای دینی و اسلامی برپا شده است. نمایشگاهی که کودک و بزرگ سال می توانند از آن بهره ببرند. درخواست بازدید کنندگان آن دائمی بودن چنین نمایشگاهی در حرم مطهر است.

حرم مطهر رضوی می گوید: تخریب بقیع و نشناختن شخصیت های بزرگ برای جهان اسلام ظلمی بزرگ تر از تخریب قبور آن هاست. به دنبال همین، با این نمایشگاه در پی این هستیم که شخصیت های بزرگ مدفون در بقیع را به جامعه بشناسانیم و از آن ها الهام بگیریم.

طبق توضیحات حجت الاسلام والمسلمین علی پایاب، راویان در این نمایشگاه درباره تحولات قبور ائمه بقیع (ع) و تخریب آن به زائران توضیح می دهند. همچنین برای اینکه نمایشگاه برای کودکان هم ملموس باشد، از جورچین و نقاشی الهام گرفته ایم. طبق توضیحات او، در کتب تاریخی حرم ائمه بقیع (ع) به عنوان «مشهد» و «حرم» اهل بیت (ع) معروف شده که در سمت غربی و منتهای الیه قبرستان بقیع واقع شده است. گفتنی است ۲۰ اردیبهشت ماه آخرین زمان بازدید از این نمایشگاه تجسمی است.

گفته های او جامعه به شدت نیاز دارد که با زندگی ساده و بی ریای این افراد آشنا شود و حرم مطهر به دلیل مراجعه میلیونی زائران در سال، بهترین مکان ارائه این موضوعات در قالب نمایشگاه تصویری است.

نمایشگاه ها در حرم مطهر دائمی باشند

زهره اعظمی زاده آذری زبان است و چند روزی مهمان مشهدی هاست. او قالب نمایشگاه را خلافاً می خواند و می گوید: این نمایشگاه برای من یاد شهدای حج همچون محسن حاجی حسنی کارگر راننده کرد، علاوه بر آن، با توضیحات راویان بیشتر با ائمه بقیع (ع) آشنا شدم. درخواست او این است که در حرم مطهر دائمی و به صورت متناوب چنین نمایشگاهی که به مردم اطلاعات و از طرفی نگاهشان به زندگی را هم تغییر می دهند، برگزار شود. در این باره مدیر پایگاه های تبلیغی و معرفتی



گفت و گو با چند همسایه کاسب در بالاخیابان

بر مدار مشتری

امانت دار مردم



امین کریمی بین همسایه های کاسبش به مشتری مداری و امانت داری معروف است. حرفش هم این است که کاسب با اخلاق و با انصاف فراموش نمی شود. او سوغات شهرمان را دست زائران می دهد و از طرف دیگر در دادن آدرس به زائران بسیار دقت می کند تا زائری راه اشتباه نرود. به گفته خودش تا به حال نشده از آدرس دادن به غریبه ها خسته شود. او را در بازار امانت داری شناسند و اگر کاسبی چیزی پیدا کند، او به دست صاحبش می رساند. خودش در گفتن از این اخلاقش به این تأکید می کند که سعی کرده ام در کارهایم با خدا معامله کنم و به تعریف خاطرهای در این باره می پردازد: سال ها قبل موقع بستن مغازه ام کیفی را پیدا کردم. برای اینکه بفهمم کیف مال کیست، آن را باز کردم. کارت ملی و چند مدرک دیگر و یک سکه طلا درونش بود. هر طور بود، کیف را به آدرس صاحبش که در شهری دیگر بود، پست کردم. اما بعد از اینکه کیف به دست صاحبش رسید، به من زنگ زد و گفت ۵ میلیون تومان نقدی هم داخل آن بوده است و من اصلاً سمت حرم نیامده بودم. من هر چه توضیح دادم که کیف را در مغازه ام پیدا کردم و اگر می خواستم آن را بخرم سکه اش را هم برمی داشتم، باور نمی کرد و فکر می کرد آن را زرد دیده ام. کلی بدویره انثارم کرد. چند ماهی گذشت تا آن بنده خدا باور کند کسی که آن را زرد دیده است، من نبودم و سارق بعد از برداشتن پول هان را در مغازه ام پرت کرده است. شاید باورتان نشود ولی من در لحظه ای که مدارکش را پست می کردم، فقط به خوش حالی او فکر می کردم و همین برای آرام کردن من کافی بود.

شاخ بزی؛ نشانه یک زعفران خوب



مهدی طاهری حدود ۳۵ سال است مغازه زعفران فروشی دارد. او را به عنوان کاسب با صداقت که جنس مرغوب دست مردم می دهد، معرفی می کنند. وارد مغازه اش که می شوم، در حال توضیح دادن درباره نوع زعفران به یک زائر است. آقامهدی معتقد است برای پول درآوردن نباید به هر روشی تکیه کرد و اگر با صداقت کار کنی، خدا خودش روزی ات را می دهد. او می گوید: متأسفانه برخی زائران بدبین شده اند. موقع فروش زعفران به همه آن ها مشخصات زعفران خوب را توضیح می دهم تا اگر جای دیگری در مشهد هم خریدند، خودشان خبره این کار باشند. توضیح می دهم که زعفران خوب در آب شروع به زرد شدن می کند، ولی خود زعفران همان گونه که قرمز است، باقی می ماند و اگر نامرغوب باشد، زعفران سریع سفید می شود. حتی شکل زعفران مرغوب را که در اصطلاح «شاخ بزی» است، نشانشان می دهم تا بشناسند. برای من مهم نیست آن زائر بعد از این توضیحات از من خرید کند یا کس دیگری، همین که سوغات مرغوب مشهد دستش برسد، کافی است. مهدی طاهری داشتن حساب سال را از همان اوایل کاسبی رهان کرده و دادن خمس و رعایت واجباتی را که اهل بیت (ع) به آن توصیه کرده اند، یکی از عوامل خیر و برکت کارش می داند و می گوید: حتی جنس فروخته شده را با وجود باز شدن پلمب تعویض می کنم. با این نگاه که اگر یک بنده خدا را خوش حال کنم، مطمئناً خشنودی خدا را به دنبال خواهد داشت و همین برای من بس است.

رعایت انصاف در کار، حق مردم است



مجتبی نژاد محمد علی، زمانی آرایشگر بوده و اکنون در کار تعمیرات لوازم برقی است. او را کاسبی معرفی کرده اند که الکی روی قیمت اجناس نمی کشد و سعی می کند با کمترین سود جنس دست مردم بدهد. وقتی سراغش می رویم، این تعریف ها را لطف همسایگانش می خواند و می گوید: کاسب باید هوای مشتری را داشته باشد. حالا شما فکر کنید در اینجا مشتری های ما زائران امام رضا (ع) هستند که اگر بی انصافی ما را ببینند، به آقا گلّه می کنند. پس ما باید چند برابر سایر کاسبان منصف باشیم. او که حتی دقت می کند پول خرد های مشتریان هم حتماً به آن ها برگردانده شود، این رعایت انصاف را حق مردم می خواند و می گوید: بی انصافی کم از مال حرام ندارد و خدا را شکر بار رعایت انصاف، خودم و خانواده ام در سلامتی هستیم.

یک خانه و ۲ دختر

از شور و حال و انرژی مثبتی که دخترها دارند، می‌شود فهمید جمع خانوادگی شان حسابی جمع است و رابطه‌ها گرم و صمیمی است. دخترها وقت گفتن از مادر و پدرشان حسابی احساساتی می‌شوند. از سحر می‌پرسم دوست داری یک دختر مثل خودت داشته باشی که در جواب می‌گوید: حتما! اگر بعد از دختری داشته باشم، دوست دارم که مثل خودم هنرمند باشد. سحر و سپیده وقتی قرار است یک خاطره خوب و یک صحنه به یادماندنی از لحظات مادر دختری و پدر دختری شان برایشان بگویند، هر دو از سوره پریزهایی حرف می‌زنند که مادر و پدرشان برای روز تولدشان انجام می‌دهند: واقعا خوش حالمان می‌کنند و همیشه غافل گیر می‌شویم. همه روزها و ساعت‌هایی که برای تفریح و گشت و گذار با خانواده می‌رویم بیرون، برای ما به یادماندنی و خاطره‌انگیز است. مادر که پایه و رفیق ماست و همیشه پایه پای ماست و پدر که بار رحمت خانواده روی دوشش است و بودنش یک دل گرمی بزرگ برای همه ماست. از هر دو شان برای ساختن همه لحظه‌های خوب و خوش در خانه و در زندگی ممنونیم.



سکینه تاجی ادو قلوبودن سپیده و سحر سرنوشتشان را طور دیگری رقم زده است. آن‌ها سال ۱۳۸۵ با هم در بیمارستان چشم باز کردند و از همان کودکی تا امروز با هم کارهای زیادی را انجام داده‌اند. حتی وقتی قرار شده بود برای آینده شغلی و تحصیلی تصمیم بگیرند، در نهایت یک مسیر را انتخاب کردند تا با زوی کمکی هم باشند.

سحر و سپیده عین... قضایی، دو خواهر هنرمند پایه باز هم هنرستان بانو اوجودی در محله بالاخیابان هستند. رشته تحصیلی آن‌ها «سراجی» است که به دلیل عجین بودن با روحیات هنری شان و به پیشنهاد برادرشان آن را انتخاب کرده و حالا در این رشته به درآمدهای خوبی رسیده‌اند. جمله طلایی سحر و سپیده این است که اگر نوجوانان منتظر کمک بقیه بمانند و کاری انجام ندهند، زمان را از دست داده‌اند.

چه مناسبتی بهتر از «روز دختر» بود که پای صحبت‌های این دو خواهر موفق بنشینیم.

از کارگاه کوچک تا کشورهای همسایه

سپیده باگریزی به آنچه در گذشته با سحر در زندگی رقم زده‌اند، می‌گوید: اولش سحر به رشته دیگری علاقه داشت، اما چون دو قلوبه هستیم و همیشه همه کارهایمان با هم بود، از او خواهش کردم که با هم وارد یک رشته هنری شویم و همچنان در کلاس و مدرسه کنار هم بمانیم. از طرفی برادر بزرگمان هم تشویقمان می‌کرد به کار هنری. سحر بالاخره قبول کرد و حالا هر دو از وضعیت درس و کارمان راضی هستیم. آن‌ها حالا دوسالی است که هنرآموز رشته سراجی هستند. اکنون کارگاه تولیدی کوچکی دارند و با کمک برادرشان در کار ساخت مصنوعات چرمی هستند. کیف، جامدادی، جاسوئیچی و آینه شمعدان عروس از جمله تولیدات کارگاه آن‌هاست که به شهرها و استان‌های دیگر و حتی کشورهای همسایه صادر می‌شود. حالا سحر از درآمد خوب و بازار کار این رشته تعریف می‌کند. او خیلی خوش حال است که در کنار درس خواندن می‌تواند کاری را انجام دهد که هم درآمد دارد و هم مورد علاقه اش است.

روایتی از سپیده و سحر عین... قضایی
خواهران دوقلویی که در هفده سالگی در کار تولید موفق‌اند

دختر خوبه هنرمند باشه



عشق خواهر برادری

خانه و مدرسه سحر و سپیده در خیابان‌های اطراف حرم است. خودشان می‌گویند اینکه محل زندگی و درس خواندن مانزدیک به چنین مکان مقدسی باشد، مطمئنا باعث انرژی و انگیزه خاصی می‌شود که فقط خودمان می‌توانیم حسش کنیم. اینکه هر روزمان را با سلام دادن به امام رضا (ع) شروع می‌کنیم، خودش نعمت و برکتی است که خدا ما را لایق آن دانسته است. جالب اینجاست که خواهرها لابه لای صحبت‌هایشان خیلی از برادرهایشان یاد می‌کنند: برادرهایمان وحید و محمد با اینکه ازدواج کرده‌اند، رابطه خیلی خوب و صمیمی با ما دارند. همیشه پشت و پناه و دل گرمی ما بوده‌اند. در همه کارها با ما مشورت می‌کنیم و همیشه به خوبی راهنمایی‌مان می‌کنند. رابطه‌مان بر اساس یک محبت و اعتماد و احترام دو طرفه است. همیشه و از هر نظر هوای ما را داشته‌اند و اگر مشکلی برایشان به وجود بیاید، همیشه یک راحتی خیال و آرامش خاطر داریم که آن‌ها هستند و می‌توانند به ما کمک کنند. واقعا باعث افتخار ما و خانواده هستند و خلاصه یک رابطه خواهر برادری فوق العاده داریم.

باید از کارهای کوچک شروع کرد

سپیده به دخترهای هم سن و سال خودش توصیه می‌کند که از کارهای کم و کوچک شروع کنند تا قدم به قدم در آن پیشرفت کنند. فکر نکنند که حتما باید همه شرایط فراهم باشد و همه چیز در بهترین حالت ممکن باشد تا بشود کاری کرد. مثلا اگر به این رشته و کار با چرم علاقه داشته باشند، حتی با یک چرخ خیاطی ساده هم می‌توانند شروع کنند به کار و کم کم به همان درآمد مختصر، کار خودشان را ارتقا دهند. اینکه بیکار بنشینند و منتظر باشند تا اتفاقی بیفتد یا کسی برایشان کاری انجام دهد، فقط خودشان را از زندگی عقب انداخته‌اند. دخترها باید خودشان روی پای خودشان بایستند و قوی باشند. وقتی از سپیده می‌پرسم اگر یکی از مسئولان شهر بودی، برای دخترهای شهر چه کاری انجام می‌دادی، بازم به هنر اشاره می‌کند: بهترین کاری که به ذهنم می‌رسد، این است که از هر فرصت و از هر ظرفیتی برای معرفی انواع هنرهای آن‌ها استفاده می‌کنم. امکان ندارد که کسی دست کم در یک هنر اندکی استعداد نداشته باشد! بعد طوری هنرها را معرفی می‌کنم که دخترها بتوانند با علاقه و استعداد خود یک هنری را انتخاب کنند، سپس کمکشان می‌کنم که آن هنر را به درستی بیاموزند و بعد هم آن را به کار بگیرند. به نظرم هنر می‌تواند همه چیز باشد.

هنر همیشه به کاری آید!

سحر تأکید بسیاری دارد که دخترها باید یک فن و هنری را در حد حرفه‌ای بلد باشند و بتوانند از آن درآمد کسب کنند. این را در جواب من می‌گوید که می‌پرسم دخترها چه چیزهایی را لازم است بلد باشند تا در زندگی موفق باشند؟ اومی‌گوید: اگر دخترها بعد از گرفتن دیپلم به فکر ادامه تحصیل هم نباشند، باز با هنر می‌توانند رشد و پیشرفت کنند. اگر هم قصد ورود به دانشگاه داشته باشند، با درآمدی که از هنرشان دارند می‌توانند به راحتی خرج تحصیل خودشان را فراهم کنند. خوبی کار هنری این است که با حرفه‌ای شدن در آن می‌توان به آموزش دادن رسید و از این طریق هم درآمدی جداگانه داشت.

سحر حالا خودش در حدی خیره است که می‌تواند هنرش را به دیگران هم آموزش دهد. او همراه خواهرش از طراحی و کار با دستگاه برش لیزر گرفته تا منگنه و آسترکشی را انجام می‌دهد: الان آن قدر کار بلد شده‌ایم که از مدارس سفارش تولید جامدادی می‌گیریم.



محلات منطقه ما:

نامن: بالاخیابان، پایین خیابان

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهر آرا محله منطقه نامن: فاطمه شوشتری
تلفن شهر آرا محله منطقه نامن: ۳۳۲۱۸۲۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه نامن: خیابان کاشانی، کاشانی ۱۲،
پلاک ۲۳
سایت مشهدچهره:
mashhadchereh.shahraranews.ir
دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از:
shahraranews.ir

کار بزرگ دست‌های کوچک



کمک برای این کار خیر شده‌اند. او با اشاره به آیت‌های آموزشی این مدرسه با موضوع اخلاقی و دینی، می‌افزاید: شاید باورتان نشود، تعداد زیادی از پاکت‌ها فقط پول نداشت. صاحبان این پاکت‌ها عیدی‌هایی را که در ایام نوروز جمع کرده بودند، برای آزادی زندانی‌ها بخشیده بودند. به‌گفته او خیلی از دانش‌آموزان هم برای شرکت در این کار خیر پول قلک‌هایشان را بخشیدند.

ولی برای کار خیر پیش قدم هم شده‌اند. طبق توضیحات معاون پرورشی دبستان، برای اینکه دختران خردسال با مفهوم آزادی زندانی جرائم غیر عمد آشنا شوند، نمایش هم اجرا شده است؛ نمایشی که نشان می‌داد دختری شب عید مانند دختران دیگر در کنار سفره هفت‌سین با یک جعبه شیرینی منتظر پدرش است، اما خبری از او که در زندان است، نمی‌شود.

زهرآغوری نژاد می‌گوید: با اجرای همین نمایش‌ها و بیان کردن مثال‌هایی از اینکه همه زندانی‌ها باید نیستند، حتی تعدادی از آن‌ها خوب بوده و خواسته‌اند با ضمانت‌گروه از کار کسی باز کنند، ولی خودشان دچار مشکل شده‌اند. ابتدا بچه‌ها را با موضوع زندانی‌های جرائم غیر عمد آشنا کردیم. طبق توضیحات اوبچه‌ها خودشان اجراکننده این نمایش‌ها بوده‌اند و بعد از آشنایی با موضوع مشتاق

شوشتری اباد دست‌های کوچک دختران دبستان سزاوار رحمت قرار است به زودی گروه از کار بزرگی باز شود. دختران خردسال این دبستان پول‌هایشان را روی هم گذاشته‌اند تا در حد توانشان یک یا چند زندانی غیر عمد را آزاد کنند. آن‌طور که مدیر این دبستان می‌گوید: ۳۶۰ دانش‌آموز خردسال مدرسه با همراهی معلم‌هایشان همه تک‌به‌تک مبلغی از ۵ هزار تا ۵۰ هزار تومان هدیه کرده‌اند تا زندانی‌هایی را آزاد کنند.

گذشتن از عیدی برای آزادی زندانی

آن‌طور که الهه ابراهیم‌زاده می‌گوید، این دختران خردسال با توضیحات معلم‌ها و بدون اجبار می‌بایستی رادر پاکت‌هایی که مدرسه داده بود، اهدا کرده‌اند. این درحالی است که تعدادی از همین دانش‌آموزان برای پرداخت هزینه اردو و جشن مقاومت می‌کنند،

کوچه شهید تشکری

محله پایین خیابان



یکی از فرعی‌های این کوچه در دارد. داخل آن شش خانه مشابه هم ساخته شده است که طبق گفته‌های مجید شاهی، خیری در دهه ۱۳۶۰ این خانه‌ها را به یک اندازه ساخت که به صورت رایگان برای سکونت در اختیار نیازمندان قرار می‌گرفت.



یاد زنده خیران در کوچه «ته‌آسفالت»

شود، بخش انتهایی کوچه حمام حاج نوروز بود که مردم به آن ته‌آسفالت می‌گفتند. مجید شاهی، از قدیمی‌های محله، این را می‌گوید و نام‌های دیگر آن را کوچه حمام ابوالفضل‌ی‌ها و جاوید می‌خواند. طبق خاطرات او، با شهادت خلیل از ساکنان این محله در جنگ، این معبر نام این شهید را گرفت.

فاطمه شوشتری یکی از کوچه‌های فرعی خیابان وحدت که میان ببری برای اتصال آن به خیابان طبرسی و شهید نواب صفوی است، کوچه شهید خلیل تشکری است؛ کوچه‌ای طویل که از وحدت ۱/۳ شروع و به شهید شوشتری ۴ ختم می‌شود. این کوچه قبل از آنکه شارستان کشیده

محمد شکرزی زاده و صد بقیه بشکنی از پنجاه سال قبل ساکن این کوچه‌اند. آن‌ها از خرابی خانه و حمام‌های قدیمی خردو، ابوالفضل‌ی‌ها و حاج قلی با حسرت یاد می‌کنند و در گفتن از بزرگان کوچه نام حاج خرم و حاج خاور را که برای اهالی مسجد ساخت، می‌آورند.

خلیل تشکری با گرفتن دیپلم راهی جبهه شد. اولین حضورش در جبهه نود روز طول کشید و مجروح شد و به مشهد منتقلش کردند. در بیمارستان، وقتی خبر شهادت خلیل را به پدر و مادرش دادند که آن‌ها با خبر قبولی‌اش در هوانیروز به ملاقاتش رفته بودند. اهالی می‌گویند مادرش هیچ‌وقت خوار و بار بنیاد شهید را قبول نکرد و در سالگرد او با هزینه خودش بین نیازمندان خیرات می‌کرد.



عکس: فاطمه شوشتری/شهر آرا

عکس مربوط به سال ۱۳۹۵ است.